

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۹۱۸۸ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۶۴۰

ریشه یابی احداث کریدور زنگزور و اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران آن در قفقاز جنوبی

مصطفی الماسی^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

خسرو آرام

دکتری اندیشه سیاسی و پژوهشگر مطالعات منطقه ای و مسائل بین الملل، ساوه، ایران

چکیده

این مقاله با مطالعه اسنادی و روش کیفی داده ها و با محتوای بنیادی- نظری و روش توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری (ژئوپلیتیک) ضمن ریشه یابی احداث کریدور زنگزور، در صدد پاسخ به این پرسش است که: احداث کریدور زنگزور معلول چه عواملی است و بازیگران آن چه اهداف ژئوپلیتیکی را در قفقاز جنوبی تعقیب و دنبال می کنند؟ تحلیل داده ها و یافته های تحقیق نشان داد که: توسعه احداث دالان زنگزور ریشه در پایان جنگ دوم قره باغ در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ دارد. در پایان این جنگ با پیگیری روسیه و همکاری صلیب سرخ، بین دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان توافق آتش بس برقرار شد و بعد از این توافق بود که توسعه احداث زنگزور از سوی جمهوری آذربایجان و ترکیه مطرح گردید. در توسعه کریدور زنگزور کشور هایی چون: جمهوری آذربایجان، ترکیه، جمهوری ارمنستان و روسیه منافعی را تعقیب می کنند. مطالبه جمهوری آذربایجان آن است که از مسیر زنگزور به نخجوان برسد و مطالبه ارمنستان آن است که از مسیر آذربایجان به دریای خزر برسد و در عین حال از

^۱ نویسنده مسئول



مسیر نخبوان به ایران راه پیدا کند. ضمن آنکه ارمنستان هم دوست دارد مسیرهای مواصلاتی با ترکیه را باز کند تا به دریای سیاه برسد ترکیه نیز خواهان آن است که از مسیر زنگزور به آذربایجان و دریای خزر برسد. روسیه نیز با همگرایی با آذربایجان تلاش دارد که از پیش روی ناتو از طریق این کریدور به عنوان دالان تورانی ناتو، جلوگیری کند. اما توسعه کریدور زنگزور موجب حذف مرزی ایران و ارمنستان و سپس ایجاد حصر و خفگی ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران می شود.

واژگان کلیدی: زنگزور، ژئوپلیتیک، خفگی ژئوپلیتیکی، قره باغ، جمهوری آذربایجان، جمهوری ارمنستان، ترکیه، روسیه، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

بعد از اعلام آتش بس که منجر به پایان جنگ دوم قره باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ گردید، بحث از توسعه احداث دالان زنگزور توسط جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر زبان ها افتاد و در ماده ۹ توافقنامه آتش بس که در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ در پایان جنگ قره باغ کوهستانی امضا شد، پیش بینی شده بود که تمامی ارتباطات اقتصادی و حمل و نقل در منطقه باید رفع انسداد شود. بنابراین جمهوری ارمنستان باید امنیت ارتباطات حمل و نقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخبوان را به منظور ترتیب دادن تردد بدون مانع افراد و وسایل نقلیه را تضمین کند. مسئولیت نظارت بر این ارتباطات و نظارت بر سازوکارهای مرتبط با حمل و نقل به روسیه واگذار شد. به همین خاطر، جمهوری آذربایجان، جمهوری ارمنستان و روسیه یک کارگروه سه جانبه برای رفع انسداد ارتباطات در منطقه تشکیل دادند.

از منظر علت شناسی پیگیری توسط احداث زنگزور از طرف جمهوری آذربایجان تا میزان متأثر از اعتماد به نفس ناشی پیروزی بر ارمنستان در مناقشه قره باغ در سال ۲۰۲۰ بود. هدف جمهوری



نظر به اهمیت موضوع مقاله حاضر، پژوهش‌هایی از سوی پژوهش‌گران مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل صورت گرفته است که به نوع خود در خور توجه و حاوی اطلاعات ذیقیمتی برای پژوهشگران مطالعات در حوزه قفقاز جنوبی است. در این ارتباط پژوهش‌های شفیع (۱۴۰۳) تحت عنوان (بازی ژئوپلیتیکی زنگرور در قفقاز جنوبی) و هرسنی (۱۴۰۳) تحت عنوان (خفگی و حصر ژئوپلیتیکی برای ایران از رهگذر زنگرور) و سنایی (۱۴۰۳) تحت عنوان (چرخش روسیه در همراه شدن با جمهوری آذربایجان و ترکیه در غائله زنگرور و سامانه تحلیلی اکو ایران (۱۴۰۳) تحت عنوان (ریشه‌یابی زنگرور و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی) و موحدیان (۱۴۰۳) تحت عنوان (بررسی رویکرد شرق محور جمهوری آذربایجان برای ایجاد کریدور زنگرور) صولت (۱۴۰۳) تح عنوان (سهم خواهی ژئوپلیتیکی ترکیه در ماجرای زنگرور) و سلیمانی (۱۴۰۳) تحت عنوان (همه چیز درباره ماجرای زنگرور: ایران، آذربایجان، ارمنستان و بقیه چه می‌گویند؟) به نوع خود قابل توجه است که می‌تواند منبع رجوع علاقه



مندان به موضوع شود. اما پژوهشی که خواسته باشد احداث کریدور زنگزور ریشه یابی و اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران آن در قفقاز جنوبی را مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است. لذا دغدغه و هدف اصلی مقاله حاضر آن است که با بهره گیری از چارچوب نظری «ژئوپلیتیک» احداث کریدور زنگزور را ریشه یابی و اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران آن در قفقاز جنوبی مورد ارزیابی قرار دهد. به طور کلی، بررسی ادبیات موجود حاکی از آن است که موضوع پژوهش به دلیل این که تا کنون به طور جامع و در قالب یک کار مستقل علمی به آن پرداخته نشده است، از جنبه نوآوری بر خوردار است. بنابراین، می توان ادعا نمود که یافته های پژوهش می تواند تا حدودی خلاء در ادبیات موجود و پیشینه تحقیق را مرتفع سازد و مبنا و منبعی قابل اتقان و معتبر برای پژوهش هایی آتی گردد. با عنایت به موضوع، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: احداث کریدور زنگزور معلول چه عواملی است و بازیگران آن چه اهداف ژئوپلیتیکی را در قفقاز جنوبی تعقیب و دنبال می کنند؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش ها مورد سنجش و آزمون قرار می گیرد، بر اساس متغیر های مستقل و وابسته تنظیم شده است. در این پژوهش و با عنایت به موضوع، احداث زنگزور متغیر مستقل یا تبیین کننده و تعقیب اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران آن در قفقاز جنوبی متغیر وابسته و تبیین شونده محسوب می شوند. بر اساس متغیر های مستقل و وابسته فرضیه اصلی رساله حاضر را می توان در قالب گزاره ی ذیل تبیین نمود و آن اینکه: احداث زنگزور مولود پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره باغ در سال ۲۰۲۰ است که آثار آن متوجه تعقیب منافع متضاد ژئوپلیتیکی میان بازیگران قفقاز جنوبی و همچنین ایجاد حصر و خفگی ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. روش گرد آوری داده ها اسنادی، تحلیل داده ها کیفی و ماهیت پژوهش حاضر تبیینی و توصیفی- تحلیلی می باشد. در مقاله حاضر از الگوی نظری «ژئوپلیتیک» بهره گرفته شده است.

بخش اول: روش تحقیق

نوع پژوهش بر اساس هدف: بنیادی- کاربردی است. از حیث نتیجه گیری: کاربردی- توسعه ای، از جهت رویکرد انتخاب: عقلایی، و از منظر تحلیل داده ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، تبیینی (تعلیلی)، توصیفی- تحلیلی می باشد. روش گرد آوری داده ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق



مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های الکترونیکی و اینترنتی انجام شده است.

بخش دوم: ژئوپلیتیک: چارچوبی تئوریک برای فهم الگوی نظری تحقیق

چارچوب نظری مقاله حاضر را می توان بر اساس الگوی نظری «ژئوپلیتیک» تبیین نمود. چنین الگو ها و رهیافت هایی توسط نظریه پردازانی چون: «هاوس هوفر» و «جفری پارکر» و «پیتر هگت» ارائه و تئوریزه شده است. هر یک از این نظریه پردازانی بخشی از الگو های نظری ژئوپلیتیک را تبیین نموده اند. بنابراین در این مقاله تلاش بر آن است که تا از قالب های تحلیلی و ادراکی این نظریه پردازان برای پشتوانه تئوریک در تبیین و تشریح داده ها و تبیین محتوا تحقیق استفاده شود.

ژئوپلیتیک رویکردی است بر سیاست بین الملل که در تلاش است تا رفتارهای سیاسی بازیگران را بر اساس محیط طبیعی تبیین نماید. بر این اساس رویکرد ژئوپلیتیک بیانگر تاثیر جغرافیا بر امور سیاسی است (۹۸: ۱۹۸۸, Plano and Alto) به عبارتی دیگر ژئوپلیتیک را می توان مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی یعنی ویژگی های طبیعی و انسانی نظیر موقعیت جغرافیایی، نحوه توزیع منابع طبیعی و انسانی بر روابط بین الملل و در تصمیم گیری های سیاسی صاحبان قدرت دانست. موقعیت سرزمینی و منابع طبیعی (عوامل ژئواکونومیک) از عوامل طبیعی ژئوپلیتیک به شمار می روند. موضوعات و مفاهیم مورد مطالعه ژئوپلیتیک نیز طیف وسیعی نظیر، ژئوپلیتیک به عنوان دانش کسب قدرت، ژئوپلیتیک به عنوان دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ، ژئوپلیتیک به عنوان دانش مناطق بحرانی و ژئوپلیتیک به عنوان دانش روابط قدرت را شامل می شوند. (مجتهد زاده، ۱۳۹۲: ۳۸)

ژئوپلیتیک هر منطقه نقش عمده در برقراری روابط مسالمت آمیز و یا در ایجاد منازعه و یا رقابت میان کشورهای آن منطقه دارد. به عبارتی دیگر در ذات و ساختار جغرافیای سیاسی ویژگی ها و واقعیت های عینی نهفته است که به صورت بنیادین منطق رقابت و منازعه را بین کشورها ترویج می دهد. اندیشمندان ژئوپلیتیک در مطالعه ریشه های منازعه هر کدام به جنبه ای از عوامل ژئوپلیتیک اشاره دارند. برخی به عوامل ژئواکونومیک و منبع سرزمینی مناقشات و برخی دیگر به عوامل هویتی و فرهنگی یعنی ویژگی های جمعیتی تاکید دارند. در میان عوامل ژئواکونومیک، منابع انرژی به عنوان یکی از



مهم ترین متغیرهای ژئوپلیتیک در تعاملات میان بازیگران و به چالش کشیدن رقبایان در عرصه بین المللی از اهمیتی استراتژیک برخوردار است. جایگاه نفت و گاز در اقتصاد سیاسی بین المللی و اهمیت آن به عنوان کالایی استراتژیک موجب شده است که این منابع نقش مهمی در شکل دهی به الگوهایی از رقابت، منازعه، همکاری، هم گرایی و واگرایی میان کشورها و در عرصه نظام بین الملل داشته باشند. بهره مندی از این منابع و کنترل زیر ساخت های انرژی از جمله خطوط لوله در چارچوب فرصتهای ژئوپلیتیک مورد توجه بازیگران بوده است. (شیرخانی و شریفی، ۱۳۹۶: ۱۱۹) در میان اندیشمندان ژئوپلیتیک باید از (هاوس هوفر) و (جفری پارکر) و (پیتر هگت) نام برد.

هاوس هوفر ژئوپلیتیک را استراتژی جغرافیایی می داند و بر این باور است که ژئوپلیتیک منطقی جهت شکست دشمن با توجه به موقعیت و امکانات جغرافیایی می باشد. طبق دیدگاه هوفر، تنها کشورهایی که دولتها و نظامشان از استراتژی ژئوپلیتیک پیروی می کنند، میل به پایداری و ثبات امنیتی دارند. برعکس دور شدن از استراتژی و رهیافتهای آن، به معنای دور شدن از بقای ملی و امنیت ملی است. (Taylor, ۱۹۸۷: ۱۱۶)

جفری پارکر، ژئوپلیتیک را می داند که راه دستیابی به اساس جغرافیایی قدرت ملی و سرزمینی را به رهبران کشورها نشان می دهد. پارکر ژئوپلیتیک را مطالعه روابط بین المللی از نگاه فضای جغرافیایی می داند. طبق دیدگاه پارکر، ارزش واقعی ژئوپلیتیک مدرن عبارت است از تحلیل علمی عوامل جغرافیایی حاکم بر روابط بین الملل که هدایت کننده تعاملات سیاسی است و هر کشوری، برپایه قدرت خویش، توانایی مشخصی داشته و شعاع عملکرد جغرافیایی آن برپایه همان میزان قدرت تعریف می شود. (Parker, ۱۹۸۸: ۱۶۸) پیتر هگت در تعریف ژئوپلیتیک، به منبع سرزمینی منازعه تاکید دارد. وی به دوازده عامل سرزمینی تنش را در میان کشورها اشاره می کند. طبق نظریه پیتر هگت امتداد و گسترش سرزمینی یک گروه قومی و زبانی به خاک کشور همسایه، ادعای ارضی یک کشور نسبت به کشور همسایه و جنبش جدایی طلبی قومی در فضای داخلی یک کشور از جمله عوامل تنش زای ژئوپلیتیک می باشند. (قربانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷۸) به عبارتی دیگر یکی از زمینه های منازعه تعلقات ژئوپلیتیک بازیگران است. تعلقات ژئوپلیتیک تشکیل دهنده زیربنای منافع و علایق ملی کشورها در ورای مرزهای ملی می باشد و ناظر بر مواردی هستند که با تمام یا بخشی از خصیصه های طبیعی یا انسانی کشور

الگوی نظری ژئوپولیتیک بدان جهت که برای تحلیل زنگرور و آثار آن بر ظرفیت های ژئوپلیتیکی کشور های قفقاز جنوبی و جمهوری اسلامی ایران کاربرد دارد هر یک از بازیگران دخیل تلاش دارند که تا قلمرو ژئوپلیتیک یا دامنه نفوذ خود را گسترش داده و در مقابل حوزه نفوذ رقیبان را محدود سازند.

داده های مقاله حاضر شامل داده هایی چون ریشه یابی احداثت کريدور زنگرور و آثار آن بر ظرفيت های ژئوپلیتیکی کشور های قفقاز جنوبی و جمهوری اسلامی خواهد بود که با توجه به متغیر های مستقل و وابسته به صورت تبیینی و سپس، توصیفی – تحلیلی، مورد بررسی قرار می گیرند.



بند اول: ریشه یابی احداثت کریدور زنگزور

توسعه احداثت کریدور زنگزور ریشه در اعلام آتش بس و پایان جنگ قره باغ در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ دارد. در واقع تا قبل از ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ که جنگ دوم قره باغ با پیروزی جمهوری آذربایجان و با معاضدت ترکیه به پایان رسید، مجموعه عواملی چون: ناتوانی گروه مینسک وابسته به سازمان امنیت و همکاری اروپا در حل مناقشه، برقراری و وجود بن بست های دیپلماتیک، مسلح شدن فزاینده طرف های درگیر و نقض مکرر آتش بس از سوی طرف های درگیر، از میان رفتن موازنه قوای طرف های درگیر، رقابت های ژئوپلیتیک بازیگران فرا منطقه ای (آمریکا و گروه مینسک)، روابط منازعه آمیز طرف های درگیر، تداوم رقابت های ژئوپلیتیک و رویکردهای متضاد بازیگران منطقه ای، اتخاذ آتش بس یعنی ترک موقت خصام به جای صلح دائم، کنارگذاشتن ایران از طرح های آتش بس و صلح در منطقه، فقدان تدارک طرح و اصول حقوقی برای حل بحران، پیوستگی اقتصاد انرژی بین المللی، جهانی شدن و عدم توفیق گروه مینسک در استقرار صلح منجر به جنگ دوم قره باغ میان دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ گردید. تا آنکه کشورهای مختلف و سازمان ملل این درگیری ها را محکوم کرده و خواستار کاهش تنش ها شده اند و در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰، با پیگیری روسیه و همکاری صلیب سرخ، بین دو کشور توافق آتش بس برقرار شد و جمهوری آذربایجان در این جنگ با معاضدت ترکیه به پیروزی رسید. (شفیعی، ۱۴۰۳: ۵)

به پیشنهاد و مساهمت روسیه، آذربایجان و ترکیه در ماده ۹ توافقنامه آتش بس که در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ توسعه احداثت کریدور زنگزور پیش بینی شد. به این ترتیب دالان یا کریدور زنگزور یکی از مسیرهای حمل و نقل زمینی است که جمهوری آذربایجان را از طریق ارمنستان به روسیه و ترکیه متصل و زمینه را برای ارتباط آسیا، اروپا و خاورمیانه با یکدیگر فراهم می سازد. به عبارت دیگر، دالان زنگزور مفهومی در توصیف یک دالان حمل و نقل است که در صورت اجرا به آذربایجان دسترسی بلامانع به ارمنستان از طریق استان سیونیک این کشور را بدون پست های بازرسی ارمنستان می دهد. این کار باعث قطع دائم مرزهای ایران و ارمنستان می شود. از این رو در معنای وسیع، زنگزور دالانی ژئوپلیتیکی است که استان آذربایجان شرقی در ایران را از مسیر ترانزیت ترکیه به باکو حذف می کند. طبق ماده ۹ توافقنامه آتش



بس مقرر گردید که تمامی ارتباطات اقتصادی و حمل و نقل در منطقه باید رفع انسداد شود. جمهوری ارمنستان باید امنیت ارتباطات حمل و نقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به منظور ترتیب دادن تردد بدون مانع افراد، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین کند. سرویس گارد مرزی سرویس امنیت فدرال روسیه مسئول نظارت بر ارتباطات حمل و نقل خواهد بود. در ادامه و در دسامبر ۲۰۲۰، روسیه تمایل خود را برای اتصال نخجوان به بقیه آذربایجان از طریق یک خط ریلی که از طریق ارمنستان می‌گذرد، اعلام کرد. به همین خاطر، آذربایجان، ارمنستان و روسیه یک کارگروه سه جانبه برای رفع انسداد ارتباطات در منطقه تشکیل دادند. سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه گفت که فعالیت این گروه در خدمت اجرای اقدامات اعتمادساز و حل مشکلات بشردوستانه خواهد بود و در رایزنی‌های سه جانبه منافع ترکیه و ایران در نظر گرفته شده است. در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰، الهام علی اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، برنامه‌های خود را برای ساخت یک خط راه‌آهن از هورادیز به زنگیلان اعلام کرد که از آنجا کامیون‌ها برای انتقال کالا به نخجوان و ترکیه استفاده کند که نشان دهنده ارتباط حمل و نقل بالقوه در آینده بین زنگیلان و نخجوان از طریق سیونیک بوده است. (هرسنی، ۱۴۰۳: ۱)

بند دوم: اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران زنگرور در قفقاز جنوبی و موقعیت جمهوری اسلامی

کشورهای قفقاز جنوبی دارای ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی فراوانی است. این منطقه قابلیت اتصال به اروپا از طرف غرب و قابلیت اتصال به آسیای میانه از طرف شرق و آسیای خاوری را دارد. از طرف شمال هم به واسطه ارمنستان قابلیت اتصال به جمهوری فدرال روسیه را داراست. از طرف جنوب هم منطقه قفقاز می‌تواند به واسطه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کشورهای غرب آسیا و شرق مدیترانه دسترسی داشته باشد. افزون بر این منطقه قفقاز جنوبی به ویژه منطقه قره باغ- ناگورنو از جمله مناطقی محسوب می‌شود که دهه‌ها به دلایل متعدد مبتلا به بحران ژئوپلیتیکی است. بحران‌های ژئوپلیتیکی در مناطقی شکل می‌گیرد که افزون بر اصطکاک و درهم تنیدگی گسترده جغرافیایی، دارای فضایی از تعارض و چندگانگی هویتی است. منطقه قره باغ همچنین در تاریخ متأخر خود از دوران روسیه تزاری، تعارض هویتی و اصطکاک جغرافیایی شدیدی را تجربه کرده که همواره به بحران و جنگ‌های تاریخی و



پردامنه منجر شده است. در این چارچوب فرایندهای تاریخی برآمده از این منطقه افزون بر درگیری های محلی، دو جنگ بزرگ را تاکنون شاهد بوده که در جنگ اول قره باغ (۱۹۹۴-۱۹۸۸) و همزمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ارمنستان توانست بخش های گسترده ای از قره باغ کوهستانی همراه با ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان را تصاحب کند. در این میان تحولات پسینی و مشارکت گروه کشورهای صلح چندجانبه از جمله روسیه، ایران، اتحادیه اروپا، سازمان همکاری و امنیت اروپا هم نتوانست وضعیت آتش بس بین دو کشور را به وضعیت صلح دائمی تبدیل کند. (انعامی علمداری، ۱۴۰۳: ۱) اما ظرفیت های ژئوپلیتیکی کشور های قفقاز جنوبی در پرتو بازیگران دخیل و نافع کریدور زنگزور قابل ارزیابی است. در این ارتباط، جمهوری آذربایجان، جمهوری ارمنستان در قفقاز جنوبی در زمره بازیگرانی هستند که هر کدام منافع و اهدافی را از رهگذر توسعه احداث زنگزور تعقیب می کنند. به موازات این دو جمهوری ترکیه و روسیه نیز از توسعه احداث کریدور زنگزور در صدد بهره ژئوپلیتیکی هستند. اما در این میان جمهوری اسلامی ایران تنها بازیگری است که از توسعه احداث کریدور زنگزور زیان ژئوپلیتیکی عاید آن می گردد.

بند سوم: سهم خواهی جمهوری آذربایجان از توسعه احداث زنگزور

آذربایجان به واسطه گذرگاه زنگزور، به دنبال تحقق اهداف اقتصادی و امنیتی استراتژیک خود است. این گذرگاه مزایای قابل توجهی در جهت تقویت نقش آذربایجان به عنوان یک هاب لجستیکی در اوراسیا دارد. همچنین این زنگزور مسیرهای حمل و نقل بین آذربایجان و ترکیه را حدود ۳۴۴ کیلومتر نسبت به راه آهن باکو-تفلیس-کارس کوتاه تر می کند و به این ترتیب، هزینه های تجارت بین المللی را کاهش می دهد. الهام علی اف، رئیس جمهور آذربایجان، در این خصوص تاکید کرده است که گذرگاه زنگزور برای ما به معنای بازگشایی مسیرهای جدید اقتصادی و تجاری است. به بیان دیگر، این گذرگاه به آذربایجان امکان می دهد که منابع انرژی خود را از طریق ترکیه به اروپا صادر کند. بعد از فروپاشی شوروی، نخجوان از سرزمین اصلی آذربایجان جدا شده است و این امر به شدت توسعه اقتصادی و ارتباطات تجاری این منطقه را محدود کرد. گذرگاه زنگزور این امکان را به آذربایجان می دهد که بدون نیاز به عبور از خاک ایران یا ارمنستان، به طور مستقیم با نخجوان ارتباط زمینی برقرار کند. این امر به تقویت



بند چهارم: سهم خواهی ترکیه از توسعه احداث زنگزور

در ماجرای زنگزور، ترکیه اگرچه در توافق نامه آتش بس ۲۰۲۰ به عنوان ناظر ظاهر شد، اما در طول این مدت نشان داده که به دنبال نقشی فراتر از نظارت صرف است و بازگشایی گذرگاه زنگزور را با اهداف چندگانه دنبال می کند. این اهداف هم از نظر استراتژیک و هم اقتصادی برای ترکیه حیاتی هستند. از منظر استراتژیک، این گذرگاه به ترکیه امکان دسترسی مستقیم به کشورهای ترک زبان را می دهد. چراکه پیش تر ترکیه مجبور بود از طریق ایران یا مسیرهای دیگر به آسیای مرکزی دسترسی پیدا کند، اما با بازگشایی این گذرگاه، ترکیه می تواند به طور مستقیم و بدون واسطه به آذربایجان و از آنجا به آسیای مرکزی متصل شود. این امر دسترسی به بازارها و منابع آسیای مرکزی را برای ترکیه ساده تر کرده و به افزایش نفوذ این کشور در منطقه کمک می کند. از منظر اقتصادی بازگشایی این گذرگاه به ترکیه امکان می دهد تا هدف بزرگتری، یعنی ایجاد یک مسیر تجاری پیوسته از پکن تا لندن را محقق کند. این پروژه ترکیه را به یک پل کلیدی برای انتقال کالاها و انرژی بین اروپا و آسیا تبدیل می کند و جایگاه آن به عنوان مرکز ترانزیت انرژی و کالا را تقویت می کند. افزون بر این، گذرگاه زنگزور نقش حیاتی در تامین امنیت انرژی ترکیه دارد. این گذرگاه با فراهم کردن دسترسی مستقیم به منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان، نیازهای انرژی ترکیه را به شکلی امن تر و اقتصادی تر تامین می کند و آن را به هدف خود برای تبدیل شدن به «هاب انرژی» اروپا نزدیک تر می کند. با این حال، اهمیت گذرگاه زنگزور تنها به مسائل استراتژیک و اقتصادی محدود نمی شود. افزون بر این موارد، احداث گذرگاه زنگزور به عنوان «گامی برای پیوند جهان ترک» نیز محسوب می شود. این پروژه نه تنها به تامین امنیت انرژی کمک می کند، بلکه نقش بزرگی در تقویت اتحاد کشورهای ترک زبان دارد. با بازگشایی این مسیر، ترکیه می تواند از طریق آذربایجان به طور مستقیم به کشورهای آسیای مرکزی متصل شود و همکاری های اقتصادی بین این کشورها گسترش یابد. به واقع این پروژه «کلید ثبات منطقه ای» است و با تقویت نفوذ ترکیه در قفقاز،



به بهبود همکاری ها با کشورهای ترک زبان کمک می کند. گذرگاه زنگزور برای ترکیه از نظر فرهنگی و سیاسی نیز اهمیت بسیاری دارد. این گذرگاه به عنوان پل ارتباطی بین ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی، نقش حیاتی در تقویت اتحاد ترک ها ایفا می کند. با ایجاد ارتباط مستقیم بین ترکیه و آذربایجان، دو کشور قادر خواهند بود که همکاری های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را به طور موثرتری گسترش دهند. و جان کلام آنکه، گذرگاه زنگزور می تواند نقش یک دروازه استراتژیک برای دنیای ترک بازی کند. (صورت، ۱۴۰۳: ۱۲)

بند پنجم: سهم خواهی روسیه از توسعه احداث زنگزور

روسیه توسعه احداث کریدور زنگزور را فتنه تورانی ناتو می داند و به جهت آنکه ترکیه به عنوان نگهبان جبهه جنوبی و عقبه استراتژیک ناتو محسوب می شود، روسیه هراس دارد که شاید ناتو بخواهد به واسطه زنگزور به حیات خلوت روسیه یا همان محیط های پیرامونی نفوذ و ورود پیدا کند. به همین خاطر به آذربایجان و ترکیه بر سر توسعه احداث زنگزور همکاری کرده و با دادن امتیاز بر سر این همکاری تلاش دارد که از خیز و گسترش ناتو به شرق جلوگیری کند. در سطحی دیگر، روسیه تحت زعامت ولادیمیر پوتین به این نتیجه رسیده است که در خلا نقش آفرینی های مسکو در ترسیم فضاهای جدید ژئوپلیتیک در قفقاز جنوبی که جنگ در اوکراین علت اصلی آن محسوب می شود، بتواند به وسیله طرح مجدد احداث کریدور زنگزور قدرت بازیگری از دست رفته خود در قفقاز در مقابل ترکیه را بازیابد و به دست آورد. اما ایفای نقش در تقابل با آمریکا، آخرین دلیلی است که روسیه آن را بهانه ای برای سهم خواهی ژئوپلیتیکی خود بر سر زنگزور کرده است. واقعیت آن است که نقش پر رنگ و برجسته ایالات متحده آمریکا در برقراری صلح توانسته است از نقش روسیه در برقراری صلح میان ارمنستان و آذربایجان بکاهد و دست روسیه را به عنوان قدرتی هژمون و تاثیرگذارترین بازیگر قفقاز کوتاه کند. حالا و در شرایط باز تعریف حوزه های ژئوپلیتیکی جدید در قفقاز جنوبی، ولادیمیر پوتین خواهان آن است که ابتکار عمل را برای توافق صلح بین ارمنستان و آذربایجان که به گفته الهام علی اف بیش از ۸۰ درصد آن انجام شده را به دست گیرد. در سطحی دیگر، رضایت و موافقت ارمنستان بابت نقش آفرینی بلامنازع روسیه در قفقاز جنوبی به شرطی که ارمنستان بتواند بر کریدور زنگزور حاکمیت و کنترل داشته باشد، شرط کافی براس سهم خواهی ژئوپلیتیکی روسیه بر سر زنگزور در قفقاز جنوبی است. به واقع می توان



اینگونه گفت که پافشاری روسیه بر ایجاد کریدور زنگرور در واقع هدیه ای است که پوتین به رقبای منطقه ای ایران یعنی ترکیه و جمهوری آذربایجان می‌دهد؛ چرا که ترکیه می‌تواند از طریق زنگرور کالاهایش را به جمهوری آذربایجان و از طریق دریای خزر به آسیای مرکزی برساند و آذربایجان راهی مستقیم به سمت کشورهای اروپایی پیدا می‌کند. (سنای، ۱۴۰۳: ۳۵-۳۸)

بند ششم: سهم خواهی جمهوری ارمنستان از توسعه احداث زنگزور

ارمنستان مخالفت آشکاری با ایجاد دالان زنگرور نکرده اما در عین حال مسیرهای جایگزینی هم برای آن معرفی کرده و از طرح موسوم به چهارراه صلح سخن به میان آورده است اما از مواضع مکرر ایروان چنین برمی آید که این کشور تلویحا با کریدور زنگرور مخالفتی ندارد ولی با نظارت نیروهای صاحبان روسی بر آن و از خارج شدن این محور از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود و بین‌المللی شدن آن مخالف است و بر استقرار پست مرزبانی و گمرکی در این محور و هر مسیر دیگری که از ارمنستان عبور کند و کنترل آمد و شد و محموله‌ها در این مسیر تاکید دارد. با این همه، جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان بعد از عبور از جنگ ۴۴ روزه که از ۲۷ سپتامبر تا ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ خواهان مطالباتی از توسعه احداث زنگرور بوده اند. اول آنکه این دو جمهوری ضمن بازگشایی مسیرهای مواصلاتی از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی خواهان رفع تنش بر منافع ژئوپلیتیکی در ماجرای زنگرور بوده اند و طبق بندهای توافق‌نامه مسکو، باید راه‌های مواصلاتی را باز کنند. در این میان، ارمنستان مطالباتی دارد. مطالبه ارمنستان آن است که از مسیر آذربایجان به دریای خزر برسد و در عین حال از مسیر نخجوان به ایران راه پیدا کند. از طرف دیگر، ارمنستان تمایل دارد که مسیرهای مواصلاتی با ترکیه را باز کند تا به دریای سیاه برسد. به همین دلیل، موضوع مسیرهای مواصلاتی از آن دست مسائل پیچیده و زمان‌بری است که نیاز به گفت‌وگوهای فراوان دارد تا در نهایت در چارچوب یک طرح عادلانه، همه طرفین به منافع خود دست پیدا کنند. (پاک آیین، ۱۴۰۳: ۱)



بند هفتم: موقعیت جمهوری اسلامی ایران از توسعه احداث زنگزور

مسیر ترانزیتی توافق شده بین تهران و باکو، کریدور ارس نامیده می‌شود. ایران کریدور ارس را جایگزینی برای کریدور زنگزور می‌داند که می‌تواند نگرانی‌های این کشور را در مورد بی‌ثباتی در امتداد مرز مشترک خود با ارمنستان کاهش دهد. یک دلیل برای اطمینان از تکمیل ساخت مسیر ترانزیتی از آذربایجان به نخجوان از طریق ایران این است که انگیزه آذربایجان برای ایجاد ترانزیت اجباری از طریق ارمنستان را کاهش دهد. تحت این شرایط، ایران از همان ابتدای طرح احداث این کریدور ادعایی مورد نظر آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و روسیه، به چند دلیل مخالفت خود را اعلام کرد. نخست آنکه احداث این کریدور موجب حذف نقش ایران در ارتباط بین خاک آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان می‌شد. دوم، در صورت احداث این کریدور، ایران نقش خود بین ترکیه و آسیای مرکزی را نیز از دست می‌داد. سوم آنکه، مرز ایران و ارمنستان به واسطه احداث این کریدور حذف و از سوی دیگر ارتباط میان ارمنستان و ایران محدود و ایران دروازه مواصلاتی خود یعنی ارمنستان را برای دسترسی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا را از دست می‌داد. و در نهایت با افزایش ارزش استراتژیک کریدور میانی، کریدور زنگزور نقش محوری ایران را در حمل و نقل بین شرق و غرب بیش از پیش کاهش خواهد داد. کریدور میانی، کریدوری است که با متصل کردن چین و ترکیه از طریق قفقاز، دریای خزر و آسیای میانه و عبور از کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، مسیر میانی جاده تاریخی ابریشم را دوباره احیاء خواهد کرد. و سرانجام آنکه با توسعه احداث کریدور مرزی ایران و ارمنستان حذف که نتیجه آن ایجاد حصر و خفگی ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (موحدیان، ۱۴۰۳: ۱)

نتیجه‌گیری

در این مقاله با مطالعه اسنادی و روش کیفی داده‌ها و با محتوای بنیادی - نظری و روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری (ژئوپلیتیک) احداث کریدور زنگزور ریشه‌یابی و آثار آن بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی کشور های قفقاز جنوبی و جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. در این مقاله بر این نکته تاکید گردید که توسعه احداث زنگزور مولود پایان جنگ دوم قره باغ میان دو جمهوری



۵. تلاش برای پایدار سازی مفاهیم نامه از رهگذر نشست ها و اخلاق راهبردی و فرهنگ دیپلماتیک در غائله و بحران زنگزور.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱) انعامی علمداری، سهراب (۱۴۰۳) *تغییرات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی*، تهران: مرکز مطالعات اوراسیا.
- ۲) پاک آیین، مصطفی (۱۴۰۳) *اختلافات بر سر زنگرور نمی تواند باعث جنگ دوباره در قفقاز شود*، تهران: سامانه خبری و تحلیلی دیپلماسی ایران.
- ۳) حافظ نیا، محمد رضا و رومینا، ابراهیم (۱۳۹۶) *تاثیر علائق ژئوپلیتیک بر چالش های منطقه ای، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال سی و دوم، شماره ۱۲۵.
- ۴) حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۵) سنایی، مهدی (۱۴۰۳) *چرخش روسیه در همراه شدن با جمهوری آذربایجان و ترکیه در غائله زنگرور*، تهران: مرکز مطالعات اوراسیا.
- ۶) شفیعی، نوذر (۱۴۰۳) *ترکیه از احداث زنگرور چه می خواهد؟* تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.
- ۷) شیرخانی، محمد علی و شریفی، مجید (۱۳۹۶) *چالش های منطقه ای بر اساس ژئوپلیتیک منطقه ای*، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره دهم، شماره اول.
- ۸) صولت، رضا (۱۴۰۳) *سهم خواهی ژئوپولیتیکی ترکیه در ماجرای زنگرور*، تهران: مرکز مطالعات اوراسیا.
- ۹) قربانی نژاد، ربیاز و دیگران (۱۳۹۳) *بررسی مفهوم منازعه در نظریه های روابط بین الملل و ژئوپلیتیک*، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره هفتم.





لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بیژوهتر های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

اکانت ایتنا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی

معاونت عالی علمی و پژوهشی
تحت پوشش خبری صداوسیما

جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

هفتمین همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین (اجرای برگزار کننده: بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش و سپاه پاسداران کرمانشاه - ۸ اسفند ۱۴۰۳)